



خبر نامه مکانیک شریف
دوره ۲۷، شماره ۲، آبان ماه ۹۸

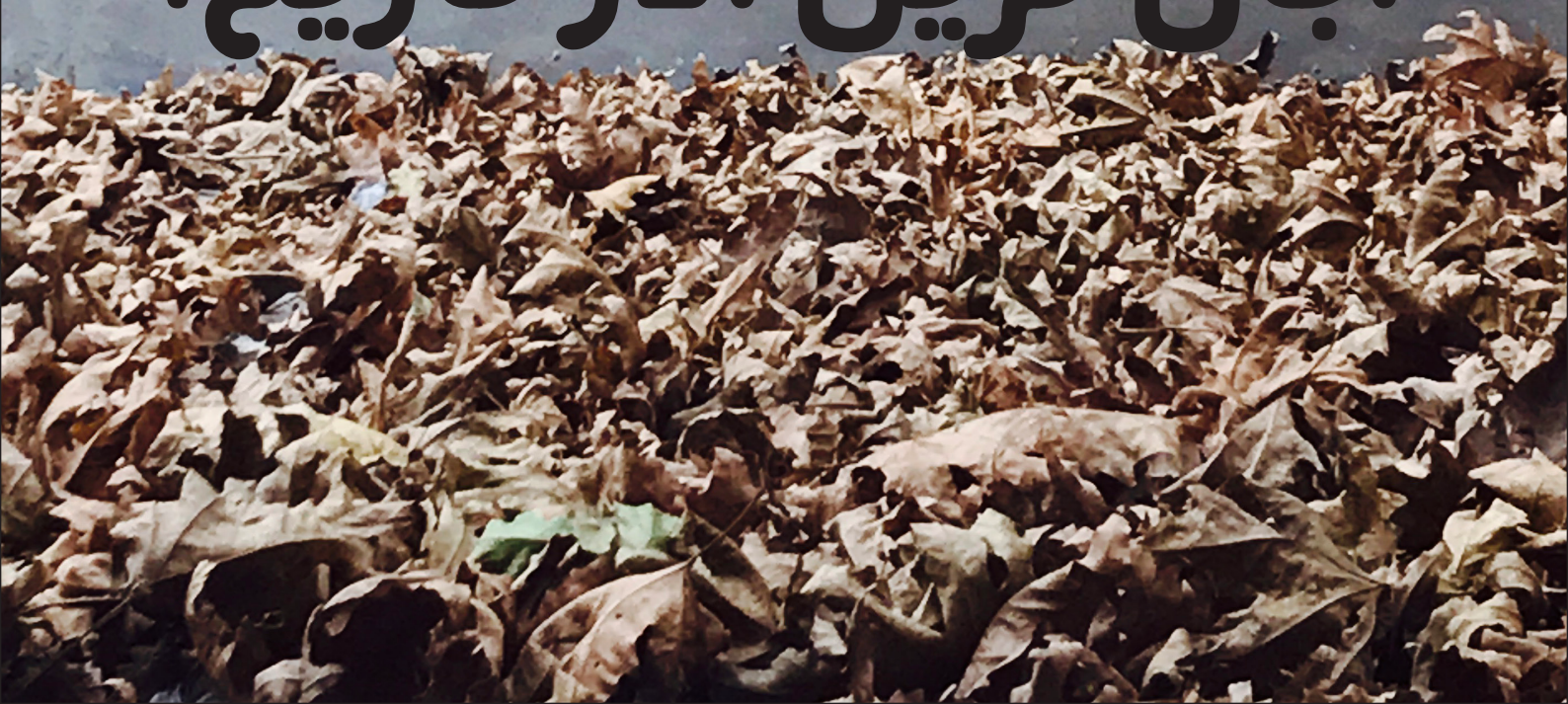


+ M
T Tech

برش (Mech Tech)
ضمیمه علمی خمش

عکس از ستاره بیات

آبان ترین آذر تاریخ!



صاحب امتیاز : انجمن علمی دانشکده مهندسی مکانیک (محور)

مدیرمسئول : زهرا خاتمی

سردبیر : ستاره بیات

معاون سردبیر : محمدجواد نیازی

ویراستار : مهسا زمانی

صفحه آرا : آوا یارندی

همکاران این شماره:

آرمین مالکی ، سعید پوراحمدیان ، زهرا خاتمی ، امیرمهدی

حسنی ، حمید علیان ، داریوش افتخاری ، علی گریوانی

مبینا ایزدپناه ، فاطمه کیانی ، زهرا کرمی ، مهدی باقری ،

علیرضا بیک احمدی ، سید محمدحسین قاسمی امیرمحمد

طهماسبی ، سینا غلامی ، شکوبا احمدی و پوریا فلاحی

در این شماره می خوانید :

۲	دیباچه
۳	مصاحبه
۵	#هشت_و_نیم
۶	تعلیق، یأس، اضطراب
۸	ماز با افاق فرار؟!
۹	در بند
۹	بازدید از کارخانه ی طیوران
۱۰	از فرهنگی چه خبر؟!
۱۱	بی سرزمین تر از باد
۱۱	Mech tweets
۱۲	صفحه آزاد

با ما در ارتباط باشید !



@khamesh_mehvar



@mehvargroup



mehvar_group



mehvar.mech.sharif.ir

این شماره از خمش تقدیم می شود به دختران خوابگاهی که علی رغم تمامی محدودیت ها، هنوز هم پرشور در فعالیت های علمی و دانشجویی دانشگاه حضور پیدا می کنند



ستاره بیات

ورودی ۹۶ مهندسی مکانیک

سرمقاله ...

موجیم و وصل ما، از خود بریدن است
ساحل بهانه ای ست، رفتن رسیدن است!

خمش

زندگی در دوران دانشجویی مملو است از فراز و نشیب ها و فعالیت های گوناگون دانشگاهی، و چه بسیار درس ها که از فعالیت های دانشجویی می توان گرفت که در هیچ کتابی نوشته نشده و در هیچ کلاس درسی تدریس نمی شود، و تنها در محیط فعال دانشجویی می توان به این درس های ارزشمند زندگی رسید.

یقینا یکی از اهداف مهم شرکت در فعالیت های فوق برنامه دانشجویی، بهبود مهارت های فردی و بین فردی از جمله مدیریت زمان، یادگیری اخلاق درست در کار تیمی، مسئولیت پذیری، توانایی مدارا و تقویت اعتماد به نفس است.

همچنین از مهم ترین مواردی که در قالب شرکت در فعالیت های دانشجویی تقویت می شود، قوه حل مساله و توانایی مدیریت بحران است که بی شک این دو معیار در عملکرد شخص به عنوان جوان شاغل در آینده تاثیر قابل توجهی دارند.

در هفته های اخیر به دلیل اختلالات پیش آمده در شبکه سراسری اینترنت، اهمیت این مورد بیش از پیش در فضای فعالیت های فوق برنامه دانشجویی احساس شد؛ و با وجود ایجاد مشکلات ارتباطی فراوان و تأخیر یک هفته ای در انتشار و چاپ نشریه خمش، فضای همیاری و مدیریتی منظم و در عین حال دوستانه ای در میان همکاران خمش ایجاد شد که بی شک قابل تقدیر است.

امید است این همکاری و نظم، پرتوان تر از قبل ادامه یابد و حاصل آن دستاوردها و توانمندی های ارزشمند برای دانشجویان باشد.



سعید پور احمدیان
ورودی ۹۶ مهندسی مکانیک



ستاره بیات
ورودی ۹۶ مهندسی مکانیک

در نقش خودت بهترین باش! مصاحبه با دکتر سعید خداپلگان

دقیق است که در طراحی قطعات و مسائلی که در آنها عدم قطعیت وجود دارد، سعی داریم این عدم قطعیت را به کمترین اندازه برسانیم تا به عملکرد مورد نظر برسیم.

مش: به نظر شما چه مشکلاتی در زمینه آموزش و پژوهش در دانشگاه وجود دارد؟

دانشگاه ما دولتی است و هزینه‌هایش از این طریق تامین می‌شود و به علت تعدد دانشگاه‌های از این دست

بودجه محدودی دارد و در تامین تجهیزات مورد نیازش مشکلات دارد، این ساختار مالی نگران‌کننده است و باید یک تغییر اساسی صورت بگیرد. بسیاری از دانشگاه‌های مطرح دنیا که به علت ارتباط با صنعت از لحاظ مالی مستقل هستند، سطح بسیار بالاتری نسبت به دانشگاه‌های دولتی دارند، در این دانشگاه‌ها ارزیابی اساتید و دوامشان به این مسئله وابسته

است که پویایی تحقیقاتشان چقدر باعث شده از صنعت کمک هزینه مالی بگیرند و حتی کسانی که اپلای می‌کنند مسیرشان به صورتی است که در پروژه‌های اساتید در ارتباط با مشکلات صنعتی کار انجام می‌دهند و به درجه‌ای از علم می‌رسند و در کنار آن مدرک هم می‌گیرند و صنعت هم کارش راه می‌افتد، یعنی شما مشکلی را حل می‌کنید و برای حل این مشکل دریافتی دارید.

این شرایط را لحاظ کند و احتمال خطا در تصمیم‌گیری بالا است الگوریتم تفکر خود را برنامه‌سازی می‌کند و این برنامه تصمیم‌گیری می‌کند و این یک نوع یادگیری ماشین است. ماشین لرنینگ به سه دسته‌بندی کلی تقسیم می‌شود: یادگیری با نظارت، یادگیری بدون نظارت و یادگیری نیمه نظارتی. مثالی که خود دانشجویان ما روی آن کار می‌کنند و از الگوریتم‌های ماشین

مش: ابتدا خودتان را معرفی کنید.

من سعید خدایگان هستم، از فارغ‌التحصیل‌های همین دانشگاه، از بهمن ۹۲ به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده مکانیک در گروه طراحی کاربردی کار می‌کنم و الآن هم دانشیار دانشکده هستم.

مش: در مورد زمینه‌های تحقیقاتی ماشین لرنینگ توضیح دهید.

ما در دنیا چهار انقلاب صنعتی داشتیم که انقلاب صنعتی اول در قرن ۱۸ اتفاق افتاد که مرتبط به صنعتی و مکانیزه شدن است، انقلاب صنعتی دوم که تقریباً صد سال بعد از انقلاب اول صورت گرفت روی مسائل تولید انبوه کار می‌کرد، انقلاب صنعتی سوم نقش کامپیوتر را در زندگی و صنعت مشخص کرد و الان انقلاب صنعتی چهارم رخ داده که در رابطه با هوش مصنوعی است. هوش مصنوعی به عبارت دیگر به کارگیری ماشین به جای انسان است و تصمیم‌گیری‌هایی که انسان انجام می‌دهد

توسط ماشین اتفاق می‌افتد. هوش مصنوعی یک ابزار است و این ابزار مصداق‌های بسیار زیادی دارد و در تمام شاخه‌های علوم در کاربردهای بی‌شمار پیاده‌سازی شده از جمله در مکانیک مثل علوم رباتیک و ربات‌های صنعتی. وقتی در مراحل طراحی یک محصول نیاز به تصمیم‌گیری داریم که اطلاعات بسیار زیادی در این تصمیم دخیل هستند و یک مهندس نمی‌تواند تمام

لرنینگ استفاده می‌کنند در ساخت افزودنی در طرح ریزی هندسه مواد در متامتریال‌هاست. یعنی هندسه یک ماده را چگونه طرح‌ریزی کنیم که ویژگی‌های مکانیکی خاصی داشته‌باشد. در ترکیب این الگوریتم‌ها با بهینه‌سازی، اگر مسئله به صورتی باشد که نتوانید به راحتی فرمول‌بندی آن را استخراج کنید، می‌توانید با استفاده از ابزارهای ماشین لرنینگ این چالش را حل کنید. زمینه تخصصی من مرتبط به مهندسی



متاسفانه الان به‌گونه‌ای است که دانشگاه کار خودش را می‌کند و صنعت هم کار خودش را، یعنی اعتماد متقابل بین دانشگاه و صنعت کم‌رنگ است. این مشکل به عبارتی ریشه فرهنگی دارد و آن ساختارهای تعاملی دانشگاه و صنعت است که به درستی شکل نگرفته است. در دنیا تمام نوآوری‌ها از دانشگاه شروع شده و در صنعت دیده شده و هر کجا که صنعت دچار مشکل شده از دانشگاه کمک گرفته ولی در ایران این ارتباط ساختاری وجود ندارد.

✎ در مورد فعالیت‌های ذوقی خود بگویید.

به طور کلی من اعتقاد دارم انسان در زندگی و در سن‌های مختلف نقش‌های مختلفی را می‌پذیرد، مثلاً نقش دانش‌آموز، دانشجو، همسر، پدر یا مادر، مهندس و... به‌نظر من زندگی در نهایت اولویت‌بندی این نقش‌هاست، که چه نقشی برای آدم مهم‌تر است؟ به‌نظر من روح و روان و جسم انسان در این دنیا، پایه‌های مختلفی دارد که باید به آن‌ها توجه کرد. علم یکی از آنهاست، و وقتی انسان نقش دانشجو دارد اولویتش علم است. ولی آیا فقط همین اولویت را داریم؟ لزوماً این‌طور نیست. ممکن است نقش اصلی شما دانشجو یا دانش‌آموز، محقق یا استاد بودن باشد ولی باید به ابعاد مختلف وجودی خود توجه کنید. من همیشه اعتقاد دارم باید حتماً یک شاخه از هنر را دنبال کرد، مثل نقاشی، ادبیات، موسیقی، و... نه به‌صورت حرفه‌ای، بلکه از نظر ذوقی، مثل روشن بودن یک چراغ، در هر حدی که هست، اما این چراغ نباید خاموش شود. یعنی یک بعد وجودی آدم باید با هنر تقویت شود. چراغ یک جنبه وجودی دیگر انسان باید با ورزش روشن بماند، که مرتبط به سلامتی جسمی انسان است، یک جنبه دیگر علم‌آموزی و حل مساله است و یک جنبه دیگر اعتقادات و مذهب. توصیه دوستانه من به دانشجویان این است که به این ابعاد وجودی خود توجه کنند. من هم سعی کردم در طول عمرم برای این ابعاد وقت بگذارم. البته در هیچ کدام حرفی برای گفتن ندارم! اما نگذاشتم چراغ این ابعاد در وجود من خاموش شود.

من در کتابی به نام آخرین سخن، توصیه‌های کسانی را که در آستانه مرگ هستند خوانده‌ام. در آن کتاب چیزهایی می‌خوانیم که شاید در این مرحله از زندگی درکی از آن‌ها نداریم. تجربه، نشان داده بعضی چیزها زمانی برای ما در اولویت است که شاید در نهایت خیلی مهم نباشد. شاید کسی با یک شکست کوچک در یک مرحله از زندگی فکر کند که یک فاجعه اتفاق افتاده اما در آینده آن تجربه برایش حتی مضحک به‌نظر برسد. به اعتقاد من هر کس در هر نقشی که هست باید اولویت‌هایش برایش شفاف باشد. ممکن است نقش و اولویتی داشته‌باشید اما کاملاً به چیز دیگری پردازید. این باعث می‌شود نقشتان را درست ایفا نکنید و حتی احساس شکست یا ناتوانی کنید. درحالی که شما ناتوان نیستید، فقط در اولویت‌بندی‌تان اشتباه کرده‌اید. اخیراً یک آمارگیری انجام شد در مورد این که آیا دانشجویانی که در فوق‌برنامه فعالیت می‌کنند به درشان لطمه وارد می‌شود یا نه. نتیجه این آمارگیری نشان داد میانگین معدل این دانشجویان از سایرین بیشتر است و این برای من قابل تقدیر بود و نشان می‌داد که این افراد با وجود فعال بودن در زمینه‌های مختلف اولویت خود را می‌شناسند. کسی که اولویت‌دار زندگی کند هم به کارهایش می‌رسد هم نقش اصلی‌اش را خوب ایفا می‌کند و هم چیزی را از دست نمی‌دهد.

من در بخش هنری به ادبیات علاقه داشتم و یک سری شعر سرودم که با استقبال دوستانم روبرو شد. حتی بعضاً تشویقم می‌کنند که مجموعه اشعارم را تبدیل به یک دفتر شعر کنم! این هنر را از دوران نوجوانی داشتم و الان هم تقریباً دنبال می‌کنم. در بعد ورزشی به فوتبال علاقه دارم و از دوران نوجوانی تا حدود ۱۹ و ۲۰ سالگی به‌صورت خیلی حرفه‌ای دنبال می‌کردم. و در بخش جوانان یکی از تیم‌ها بودم که به دلیل این که مسائل قرمز و آبی پیش نیاید نام نمی‌برم! وقتی در بعد درسی به جایی از زندگی رسیدم که باید یکی را انتخاب می‌کردم تصمیم گرفتم ورزش حرفه‌ای را کنار بگذارم اما چراغ را روشن نگه‌داشتم. الان ورزش سبک می‌کنم. زمانی شنا می‌کردم، زمانی هم با دوستان به کوهنوردی می‌رفتیم و الان به دوچرخه‌سواری مشغولم. من همچنین کتاب خواندن را ترک نمی‌کنم و تقریباً هر شب برای کتاب خواندن وقت می‌گذارم. در حال حاضر مشغول خواندن کتاب تسلی‌بخش‌های فلسفه اثر آلن دو باتن هستم. به نظر من کسی که یک کتاب را می‌نویسد به نوعی تجربیات یک عمرش را به‌صورت چکیده در اختیار خواننده می‌گذارد. هر کتابی که می‌خوانیم به‌اندازه تجربیات یک نفر به عمرمان اضافه می‌شود و این واقعاً برای من ثابت شده است.

✎ برای دانشجویهای امروز چه توصیه‌هایی دارید؟





میبینا ایزدپناه

ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک



فاطمه چراغی

ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک

#هشت و نیم

اگر شریفی باشید و اهل توییتتر، احتمالا در این روزها #هشت و نیم توجه شما را جلب کرده است؛ اما قضیه از چه قرار است؟ ما در این شماره ی خمش تصمیم گرفته ایم که موضوع پرونده ی ویژه را به این هشتگ اختصاص دهیم.

تصور کنید بعد از یک روز پرکار در دانشگاه می خواهید با دوستانتان برای شام به رستوران بروید و یا برای رفع خستگی امتحانات میانتترم، بلیت کنسرت، سینما یا تئاتر گرفته اید؛ ولی شما نمی توانید بدون دردسر و با خیال راحت در این برنامه ها شرکت کنید؛ بلکه باید خانواده ی شما از قبل با دفتر نظارت خوابگاه تماس بگیرد و تاخیر شما را با دلیلی موجه اطلاع دهد چون شما دختر هستید و باید ساعت #هشت و نیم خوابگاه ترشست ۲ باشید. و در نهایت نتیجه ی این شرایط و قوانین دردسرها و ناهماهنگی های زیادی برای دانشجویان و خانواده های آنها است به طور مثال شاید برایتان جالب باشد که؛ ”به نقل از یکی از دختران خوابگاهی“ می خواستیم در اردویی که خود بچه ها برنامه اش را ریخته بودند شرکت کنم، پدرم با خوابگاه تماس گرفتند و خبردادند که دختر من شب نمی آید و در اردو شرکت می کند اما چون اردواز طرف دانشگاه نبود و من نمیتوانستم برای خوابگاه مجوزی ببرم. چند روز بعد برای من تعهدنامه فرستادند که من یک شب را جایی که خوابگاه راضی نبوده خوابیده ام در صورتی که والدین من راضی بودند و این برای من خیلی عجیب بود!!! البته شاید اصلی ترین دلیل برای هرگونه مخالفتی از جانب مسئولین خوابگاه امنیت و موقعیت مکانی منطقه باشد که تقریبا از مرکز شهر و مکان های تفریحی حداقل ۵ ایستگاه مترو فاصله دارد؛ اما آیا این دلیل درستی برای محدود کردن عبور و مرور دانشجویان است؟ آیا واقعا تصور می شود که دختران دانشگاه صنعتی

شریف متوجه خطرات منطقه ی ترشست نیستند و توانایی استفاده ی مناسب از سیستم حمل و نقل عمومی را ندارند؟ شاید این موارد از کوچک ترین مشکلاتی باشند که این قوانین ایجاد کرده اند. به طور مثال شما اگر دختری بیست و چند ساله باشید نمی توانید شغل پاره وقتی پیدا کنید که ساعت کاری آن تا ۹ شب باشد چرا که شما باید راس ساعت #هشت و نیم خوابگاه باشید. اگر سوپرمارکت درون خوابگاه بسته باشد و یا کالای مد نظر خود را آنجا پیدا نکنید، نمی توانید ساعت ۱۰ شب از مغازه ای که بیست قدم از در خوابگاه فاصله دارد خرید کنید چون خروج شما ممنوع است؛ مگر آن که خانواده ی شما تماس بگیرند و ناظمه ای که آن شب در دفتر نظارت است موافقت کند. البته لازم است تاکید کنیم که به هیچ وجه قصد نداریم ناظمه ها را مقصر جلوه دهیم؛ زیرا که اکثر آنها با رفتار مناسب نهایت تلاش خود را در راستای فراهم کردن محیطی آرام و بدون تنش برای زندگی دانشجویان این دانشگاه می کنند و در بسیاری از اوقات صرفا موظف به رعایت قوانین هستند. در واقع برخی از قوانین هستند که کار را برای ما سخت کرده اند. در اینجا ممکن است این سوال پیش بیاید که وضعیت سایر خوابگاه ها چگونه است؟ ساعت نهایی ورود به خوابگاه برای دانشجویان دختر دانشگاه های تهران و علوم پزشکی شهید بهشتی در نیمه ی دوم سال ساعت نه و نیم است و دختران دانشگاه امیرکبیر نیز که از این حیث رکورددار هستند تا ساعت ۱۰ اجازه عبور و مرور دارند. اما چرا راه دور برویم؟ در خوابگاه های پسرانه دانشگاه صنعتی شریف دیرترین زمان ورود ساعت

۲۳ است که در نیمه ی اول سال به ۲۴ تغییر می یابد! پس آیا ناامن بودن منطقه فقط برای دختران مطرح است؟ آنچه گفته شد، مشکل دیروز و امروز نیست و این نارضایتی ها سال ها در بین دختران شریف وجود داشته است؛ اما امروز، شورای صنفی خوابگاه ترشست ۲ بعد از ماه ها گفت و گو و بررسی جنبه های مختلف این قضیه، تصمیم به حمایت از درخواست ما مبنی بر افزایش ساعت نهایی ورود به خوابگاه گرفته است. در تاریخ ۲۰ مهر ۹۸ نامه ای از طرف شورای صنفی به این منظور به دانشگاه فرستاده شده که متاسفانه برگشت خورده است؛ اما سعی می کنیم با #هشت و نیم مشکلات خود را به گوش مسئولین دانشگاه برسانیم تا درک صحیحی از وضعیت فعلی بدست آید و تلاش ها و پشتیبانی های بی وقفه ی شورای صنفی بی نتیجه نماند.



Narges Vaezi @NargesVaezi · 12 Oct

مهم نیست شما چقدر سابقه و تجربه فعالیت فرهنگی داشته باشید! اگر حتی بخاطر همون فعالیت های دانشجویی و فرهنگی چندین بار بعد از #هشت و نیم برگردید خوابگاه از نظر دانشگاه شما متخلف هستید و صلاحیت عضویت در شورای صنفی ندارید!

در پایان امیدواریم که باتوجه به مسائل و مشکلات بیان شده مسئولین محترم و دست اندرکاران امور خوابگاه ها با بازنگری قوانین موجود به بهبود شرایط دانشجویان دختر خوابگاهی کمک کنند



Mammad Shahidi @MaMMaD_98 · 20 Oct

پویش #هشت و نیم مطالبه بر حق دخترای خوابگاهیه. این مطالبه ریشه در دغدغه ساکنین خوابگاه داره و اهداف و رویکردها داخل جلسه ای عمومی و با حضور تفکرات مختلف مشخص شده. پس به نظر دانشجویها احترام بذاریم و برای به نتیجه رسیدن این پویش تلاش کنیم. این مطالبه کاملا صنفی است!

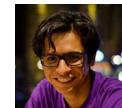


امیر مهدی حسینی

ورودی ۹۳ مهندسی مکانیک، ۹۸ ارشد

تعلیق، باس، اضطراب

در ۳۰ شهریور امسال، تعدادی از دانشجویان ایرانی که راهی آمریکا بودند، در دقایق آخر متوجه می‌شوند که روادید آنها بدون هیچ توضیح و هشدار لغو شده است. در همین راستا، روزنامه گاردین گزارشی تحت عنوان «من جانی نیستم!» در ۲۲ مهرماه ۹۸، در این مورد کار کرده است. در دانشکده مکانیک نیز افرادی بوده‌اند که با مشکل صدور روادید دست و پنجه نرم کرده‌اند. در این گزارش، نقل قول سه تن از دانشجویان مکانیک آمده است.

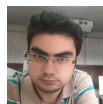


◊ حمید علیان
◊ ورودی ۹۲ مکانیک

۸ تیر ۹۷ ویزام اومد. کارهای اجاره‌ی خونه رو انجام دادم و بلیط رو هم خریدم. وسایل خونه رو هم داشتم کم کم می‌خریدم. تا اینکه ۲۵ مرداد (دو هفته قبل از پرواز) از سفارت ایمیلی دریافت کردم که می‌گفت ویزات به علت اطلاعاتی که بعد از صدور ویزات دریافت کردیم باطل شده. (هنوز بعد یکسال نمیدونم اون اطلاعات چی بوده و اصلا چه اطلاعاتی در مورد من می‌تونسته وجود داشته باشه که این اتفاق رو باعث شده. شایعاتی بین بچه‌ها هست که من تاکید می‌کنم که همش دلایلی هست که رد میشه. از جمله کار با فلان استاد، رشته دکتری، فامیل در آمریکا) همون هفته هر روز به سفارت ایمیل می‌زدم و دلیل می‌پرسیدم اما جواب نمی‌گرفتم. بعد از اون یکبار در شهریور و یکبار در آذر برای ویزای مجدد اقدام کردم و هردوبار با بند سوشال تای(بندی کاملاً نامحتمل برای دانشجوی دکتری فول فاند یک دانشگاه معتبر) ریجکت شدم. در جواب سوالم که پرسیدم دلیل لغو ویزا چی بوده؟ گفتند که نمی‌تونیم اطلاعاتمون رو با شما درمیان بذاریم. بطور موازی پاییز به دانشگاه‌های کانادا ایمیل می‌زدم ولی جوابی نمی‌گرفتم. از دی به بعد کنکور خوندن رو شروع کردم ۴ ماه بکوب می‌خوندم تا اینکه اواخر فروردین از آلبرتا پذیرش مستر گرفتم. برای تعویض

باز می‌گردد. شما باید در مصاحبه، با ارائه توضیحات مناسب آفیسر را قانع کنید که بعد از اتمام تحصیل قصد بازگشت را دارید. دلایل معمول برای این امر، وابستگی‌های اجتماعی، خانوادگی یا مالی در کشور خودتان است. از آن جایی که در شرایط و سن ما وابستگی مالی مساله رایجی نیست، بیشتر با وابستگی خانوادگی باید این مساله را مطرح کرد و اگر از فامیل درجه یک شما کسی در آمریکا شهروند باشد، احتمال آن که آفیسر قانع نشود شما قصد بازگشت دارید بیشتر است. هرچند برخی آفیسرها کمتر روی این مساله حساس هستند و با ارائه یک مصاحبه خوب می‌شود از این مرحله گذشت. برای همین بار دیگر به سفارت آمریکا برای مصاحبه مراجعه کردم و این بار در قبرس جنوبی. این بار در مصاحبه مشکلی پیش نیامد. تقریباً تمام ایرانیان متقاضی ویزای آمریکا، بعد از مصاحبه نیاز به بررسی پیشینه دارند و وارد مرحله (AP) یا به اصطلاح همان دوره کلیرنس می‌شوند. این پروسه ممکن است چندین هفته طول بکشد. ممکن است دو هفته طول بکشد یا ممکن است یک سال طول بکشد و نظم مشخصی ندارد. متأسفانه در فاصله دو و نیم ماه مراجعه من به سفارت تا شروع ترم این پروسه برای من انجام نشد و مجبور به یک ترم عقب انداختن پذیرش شدم. ریجکت شدن در مرحله کلیرنس، معمولاً خیلی کمتر پیش می‌آید و اکثر ریجکتی‌ها مربوط به مصاحبه هستند. هرچند باز هم گرفتن ویزا در مرحله کلیرنس تضمینی نیست!

پاسپورت به مشکل خوردم. پاسپورت ویزای آمریکا با مهر کنسل داشت و بهتر بود قبل اقدام برای ویزا عوض می‌کردم. حدود یک ماه درگیر تعویض پاسپورت بودم و رئیس اداره گذرنامه اذیت می‌کرد و کارم رو عقب می‌نذاخت. مجموعاً ۱۲ بار رفتم اداره گذرنامه. ۱ خرداد در نهایت اقدام کردم برای ویزای کانادا. فرآیند بطور میانگین باید ۳ هفته طول میکشید. بدشانسی مجدد اینکه اطلاعات بایومتریک من رو سفارت از مرکز انگشت نگاری دریافت نکرده بود(موردی بسیار نادر) بالاخره بعد از ۳ ماه و ۴ بار ایمیل زدن به سفارت به همراه رسید برگه بایومتریک، اطلاعاتم ثبت شد و هفته بعدش ویزام اومد. سریع کارهای خروج از کشور رو کردم ۳ روز بعد از پیکاپ پاسپورت پرواز داشتم به کانادا. در عین حال ۲ هفته دیر به کلاس‌هام رسیدم.



◊ داریوش افتخاری
◊ ورودی ۹۳ مکانیک

من برای ادامه تحصیل در آمریکا اپلای کرده بودم. برای مقطع دکترای مکانیک از دانشگاه بوستون (Boston University) پذیرش داشتم ولی متأسفانه هنوز منتظر ویزا هستم و چون به شروع ترم نرسیدم، شروع آن را یک ترم به تعویق انداختم. من دفعه اول به سفارت آمریکا در ارمنستان مراجعه کردم و در مصاحبه ریجکت شدم. یکی از متداول‌ترین بندهای ریجکت شدن در مصاحبه، بند ۲۱۴b است. در واقع بایستی مصاحبه کننده قانع شود که فرد بعد از اتمام درس خود به کشورش

که همزمان شغل و کسب درآمدی هم داشته باشم. این دوره، شاید سخت‌ترین زمان از لحاظ فشار فکری برای من بود. در شرایطی قرار گرفته بودم که اصلاً و ابداً فکرش به مغزم خطور نکرده بود. در کمال ناامیدی، به هر نحوی خودم را مجبور به درس خواندن یا کار کردن می‌کردم. از طرفی هم با توجه به شرایط بلا تکلیف من، کار هم به راحتی پیدا نمی‌شد و شاید نزدیک به دو ماه را در بلا تکلیفی، بی‌خوابی و بی‌دانشگاهی مطلق گذرانده بودم. نامه‌ی صدور ویزا بعد از نه ماه به دستم رسید. اما به نظرم شاید مهم‌ترین نکته در فرآیند اپلای، در نظر گرفتن همین عدم قطعیت و کنترل‌ناپذیری سیر حوادث باشد. نکته‌ای که در جریان اپلای، سرنوشت بسیاری دیگر از دوستان هم‌دوره‌ای را هم متأثر کرده بود و البته این داستان همچنان ادامه دارد.

شریف را داشتم. اما به هر نحوی، تصمیم گرفتم که مجدداً برای اپلای اقدام کنم. در نهایت زمانی که کاملاً ناامید شده بودم، دو تا از اساتید کانادا به درخواست من پاسخ مثبت دادند. هر چند دیر، ولی اولین نامه پذیرش را چند هفته بعد از شروع ترم یک ارشد دریافت کردم. با وجود شروع کردن ارشد، مجبور بودم که از تحصیل در شریف انصراف بدم و در همین حین باید برای ویزا هم درخواست می‌دادم. چیزی که انتظار نداشتم، طول کشیدن بیش از حد زمان صدور ویزا بود. بعد از انصراف از تحصیل و گذشتن چند ماه بدون هیچ خبری از سفارت، به کلی از اپلای قطع امید کرده بودم. از طرفی هم تمایلی به انتخاب گزینه سربازی نداشتم. برای کنکور ارشد در یک رشته غیر مهندسی به مدت یک ماه و نیم درس خواندم و در این حین سعی کردم



◇ علی گریوانی
◇ ورودی ۹۲ مکانیک

«عدم قطعیت» شاید تنها چیزی باشد که این روزها در رابطه با فرآیند اپلای بشود ضمانت کرد. از اواسط سال سوم کارشناسی، مصمم شدم که باید برای تحصیلات تکمیلی سراغ دانشگاه‌های خارج از کشور بروم. به نوبه‌ی خودم تصمیم گرفتم اصطلاحاً دل را به دریا بزنم و به دنبال تجربه‌های جدید بروم. برآوردهای اولیه‌ای که بر اساس مشورت با دوستان سال بالاتر داشتم، به من این حس را القا کرد که علیرغم فرسایشی بودن فرآیند اپلای، دغدغه‌ی چندانی برای پذیرش گرفتن نباید داشته باشم. اما گذشت و تمامی درخواست‌های من رد شدند. البته جای شکرش باقی بود که بر حسب معدل، پذیرش بدون کنکور برای ارشد مکانیک



The Guardian
@guardian

Iranian students barred from US: lost money, broken dreams, no answers



Iranian students barred from US: lost money, broken dreams, no answers
They had been accepted to prestigious postgraduate programs, many in California, but they got no further than the airport
theguardian.com

ماز با افاق فرار؟! استقبال از ورودی ها با طعم بازی

آرمین مالکی

ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک



تایپ یک کلمه، به ایستگاه بعد یعنی کمد های کنار سایت می رفتند. در آنجا با تعدادی کمد باز مواجه شدند. در یکی از کمد ها یک کلید به همراه دستگاه پخش کننده صدای مخفی شده بود. با زدن دکمه ی پخش صدا، یک کد مرس برای شان پخش شد که شماره ی کمد کلید را به آنها می داد. در آن کمد یک کاغذ با نوشته ی UV پیدا کردند که مسیری به کمدی دیگر بود که در آن مکان ایستگاه بعد یعنی اتاق سمعی و بصری را مشخص کرده بود. در ایستگاه چهارم، یک روزنامه و یک جدول نصب شده بود که باید از متن روزنامه دو عدد بیرون می آوردند. سپس باید جدول اعداد را پر کرده و شماره ی پاکت دارای رمز را پیدا می کردند که در آن، محل ایستگاه بعد یعنی سر در دانشکده مشخص شده بود. در ایستگاه آخر با حل نقشه های مهندسی، مسابقه را تمام کرده و به محور رفتند. در آنجا با تعیین برنده و دادن جایزه ارزنده (لواشک) به آنها مسابقه تمام شد.

شورای صنفی پخش شد. با اتمام کلیپ برنامه ویژه ای در نظر گرفته شده بود و آن گفتگو با استاد. مدعو برنامه دکتر بهزادی پور بودند. آخرین برنامه و یکی از جذاب ترین ها، مسابقه ی دوم بود که با چاشنی آب بازی همراه بود. طبق رسم هر برنامه نوبت به عکس دسته جمعی و مهم ترین بخش برنامه یعنی پذیرایی رسید. بعد از کلی بخور بخور و عکس گرفتن همه به سمت محور برای گرفتن یادگاری و امضای پرچم و پر کردن دفترچه ی یادگاری هدایت شدند. نوبت به اسکپ روم می رسد. این برنامه با هدف آشنایی بیشتر بچه ها با ساختمان دانشکده، سرگرمی و البته سرکار گذاشتن بچه ها در ۵ ایستگاه تدارک دیده شده بود. مسابقه ساعت ۱۷:۱۵ روز سه شنبه ۱۶ مهر با شرکت ۴ گروه ۶ نفره شروع شد. ایستگاه اول در U بود. جایی که رزومه ی چند استاد در کنار در اتاقشان نصب شده بود و بچه ها با پر کردن جدول و درآوردن رمز آن، به ایستگاه بعد یعنی سالن مطالعه رفتند. در آنجا باید پانتومیمی را حدس زده و با تبدیل کلمه به حروف ابجد، لپتاپی با کیبورد به هم ریخته را باز می کردند و با

طبق رسم هر سال با شروع سال تحصیلی جدید، انجمن علمی دانشکده، محور، یک مراسم معارفه برای ورودی های جدید دانشکده تدارک دیده بود؛ با هدف آشنایی ورودی ها با قسمت های مختلف دانشکده. امسال یک برنامه ویژه هم در نظر گرفته شده بود، مسابقه اتاق فرار یا همان اسکپ روم که به آن خواهیم پرداخت. قرار بر این بود که مراسم ساعت ۱۶:۳۰ دوشنبه ۱۵ مهر آغاز شود ولی طبق معمول با نیم ساعت تأخیر شروع شد. بعد از تلاوت قرآن و پخش سرود ملی، اولین برنامه سخنرانی رئیس دانشکده یعنی دکتر کاظم زاده بود. بعد از آن نوبت به سخنرانی دکتر نورانی به عنوان معاونت دانشجویی بود. حال نوبت کلیپ فعالیت های دانشجویی و محور و معرفی آن توسط پارسا ریاضی دبیر این دوره بود. به اولین مسابقه یعنی سیب خوری رسیدیم که شادی و خنده را به مراسم تزریق کرد. سپس نوبت به کلیپ سرکاری رسید که در آن سوالات رو عوض کرده بودند. بعد از کلی خنده نوبت به سینا میری رسید تا جشنواره ی صنعتی مکانیک را معرفی کند. بعد از آن با تأخیر کلیپ معرفی

۸

خمش



بازدید از کارخانه کی طیوران



مهدی باقری
ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک

چهارشنبه ۹۸/۷/۱۷ با هماهنگی انجمن محور برای بازدید علمی درس طراحی قالب های پلاستیک از درب اصلی دانشگاه به سمت کارخانه طیوران پلاستیک، واقع در شهرک صنعتی پرند، حرکت کردیم. ظهر همان روز طبق قرار حرکت انجام شد که البته از چاشنی تاخیر اتوبوس و اتفاقات غیرمترقبه برای آن مستثنا نبود. پس از طی مسیر به مدت یک ساعت و اندی، به محل کارخانه رسیدیم و طبق توضیحات دکتر حق شناس بازدید برای آشنایی با روند ساخت قالب های تزریق پلاستیک و سازوکارهای استفاده از این قالب ها برای تولید وسایل پلاستیکی هماهنگ شده بود. قطعات تولید شده در این کارخانه برای تولید تجهیزات مرغداری ها استفاده می شود. در بدو ورود دکتر گروه را به سمت بخش تزریق هدایت کردند و دانشجویان از نزدیک با سازوکار تولید آشنا شدند. سپس دکتر شروع به توضیح قسمت های مختلف دستگاه و روند کار آن کردند، از ورودی مواد خام پلاستیکی و نحوه هدایت خمیر پلاستیکی تا شکل گیری در قالب و لوله های سرد کننده و پران ها. البته به خاطر کمبود فضای و ازدیاد جمع، قسمتی از کار به دستیار آموزشی ایشان (بخوانید TA) محول شده بود. پس از بررسی دستگاه ها کمی آن طرف تر نوبت به بررسی خود قالب ها رسید که بیشتر زمان بازدید را هم به خود اختصاص داد. در این قسمت قالب های متنوعی با ساختارهای متفاوت مورد بررسی قرار گرفتند و استاد نکاتی مهم و کلیدی برای طراحی قالب ها گفتند. محل جای گیری صفحه ی کویتی و صفحه ی کُر (core plate, cavity plate) و پران ها، طریقه طراحی سوراخ های خنک کاری، عملکرد بازگرداننده صفحه ی متحرک به محل ابتدایی آن و البته مطالب دیگری که اینجانب بخاطر تجمع و صدای زیاد نتوانسم بشنوم توضیح داده شد. بعد از بررسی قالب ها نوبت به فرایند ساخت قالب ها رسید. اولین دستگاهی که توضیح داده شد CNC بود که کم و بیش ذهن ها با آن آشنا بود. به همین خاطر توجهات به سمت دستگاه اسپارک (spark): روشی برای ماشین کاری با روش های الکتروشیمیایی) دوچندان بود. از قضا چند قطعه آماده در صف اسپارک زدن بودند و از نزدیک توانستیم شاهد استفاده ی این دستگاه روی قالب ها باشیم. جریان ۲۴ آمپر و جرقه های متعدد در کنار مخلوط نفت و گازوییل جذابیت دیگری بود که انگیزه برای مشاهده این بخش را بیشتر می کرد. بازدید به اواخر خود نزدیک شد و پرسش و پاسخ در جریان بود و همه کم کم به سمت در خروجی رفتیم. در برگشت هم مشکل اتوبوس گریبان گیر بازدید بود و این بار مشکل تاخیر نبود، مشکل خود اتوبوس بود که نبود! بعد از پیگیری دوستان و پیدا کردن اتوبوس گروه سوار اتوبوس شدند و بازدید از کارخانه طیوران پلاستیک پایان یافت.



زهرا کرمی
ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

در بند ...

اردوی کوه با اساتید، برای ما نسل نوورود که هنوز هیجان زده ی «شریفی شدن» بودیم، اتمام حجتی بود بر لبریز شدن ذوقمان! با هماهنگی های دقیق خانم سعادت، صنفی مهربان و دوست داشتنی، ساعت ۵:۳۰ صبح روز هجدهم مهرماه به سمت دربند حرکت کردیم. از همراهی آقایان فنی، عرب و مهدوی، پیدا بود کوه پیمایی حرفه ای و حساب شده ای در پیش داریم. مهربانی و صمیمیت خانم دکتر فلاح و خانم مهندس هویت طلب و شوخی های نمکین دکتر نورانی، یک ارتباط شیرین استاد و شاگردی به دور از کلیشه های نمره و کلاس و امتحان را نوید می داد. به دربند که رسیدیم ساعت حدوداً ۶:۳۰ بود. بعد از گرفتن یک عکس دسته جمعی، دور هم جمع شدیم و از خودمان گفتیم. سپس با کلی شور و شوق به سمت کوه توچال به راه افتادیم. به قول بچه ها، نصف مسیر را در حال «پله نوردی» بودیم. از دیدن زیبایی کافه ها و طبیعت با طراوت و لطیف دربند بسیار لذت بردیم و طبق عادت مرسوم کلی عکس گرفتیم. به مسیر صخره ای کوه که رسیدیم، هوا روشن تر شده بود. شوخی های دوستانه، خوراکی خوردن های دسته جمعی و مراقب هم بودن ها چاشنی راهمان بود. آقای عرب و آقای مهدوی جلودار گروه بودند و کوله هایی محتوی نان، پنیر، گوجه، خیار برای یک صبحانه دورهمی با خود حمل می کردند! سال بالایی ها با حوصله و محبت، حسابی هوای ما «کوه اولی» ها را داشتند. بالاخره ساعت ۱۱:۳۰ به کافه رجب رسیدیم و توقف کردیم تا صبحانه ای میل کنیم.

صبحانه خوردن با جمعی از شریفی ها در آن هوای مطبوع و دلپذیر صبحگاهی واقعاً دلچسب بود. پس از ساعتی، حرکت کردیم و کمی بالاتر رفتیم تا آبشار کوه را ببینیم. مسیر برگشت را تندتر و راحت تر طی کردیم. به دلیل توقف هایی که در طول مسیر داشتیم، به نظر می آمد دیرتر از ساعت مقرر به اتوبوس خواهیم رسید. نیمی از مسیر برگشت را طی کرده بودیم که به تله سیژ رسیدیم. هرچند تله سیژی در برنامه ی اردو نبود، با لطف دکتر نورانی حسن ختامی شد بر کوه نوردی مان! ساعت حدوداً ۱۴:۰۰ بود که بالاخره به اتوبوس رسیدیم. خوردن بستنی دسته جمعی، حسابی سر حالمان کرد و گفتگوی دوستانه مان را از سر گرفتیم. این بار از قسمت های جذاب و خاطره انگیز اردو و نظراتمان گفتیم. در آخر، خاطره ی آن روز دلنشین پاییزی را به خاطر سپردیم و بیش از پیش از به جمع «شریفی ها» پیوستن ذوق زده شدیم! و اما تشکرها...

از استادان گرامی که همراهی شان در این اردو برای ما افتخاری بود. از خانم سعادت که زحمت تدارکات اردو با ایشان بود. از آقایان فنی که لطف کردند و در این اردو راهنمای ما بودند. و از همه ی شما سال بالایی های عزیز که حضورتان اردو را برای ما جذابتر کرد!



زهرا خاتمی

ورودی ۹۵ مهندسی دریا

از فرهنگ چه خبر!؟

افراد کار مفیدی در شرکت نمی‌کنند. خوابیدن بهتر از گذراندن ۲۴۰ ساعت در یک شرکت است. محل کارآموزی خود را به راحتی انتخاب نکنید؛ با افراد بیشتری مشورت کنید. آقای حمیدرضا الماسی ورودی سال ۹۵ دانشکده در رابطه با مشکل کارآموزی برای دانشجویان مهندسی دریا اضافه کرد: (افراد) که در رشته‌ی دریا تحصیل می‌کنند نمی‌توانند عملاً در شرکت

هایی غیر از شرکت هایی که دانشگاه معرفی می‌کند کارآموزی خود را بگذرانند. آقای مهدی سخایی ورودی سال ۹۶ دانشکده افزود: (زمان کارآموزی زیاد (۲۴۰ ساعت) است. کارآموزی ۱ صرفاً بازدید است. باید برای انتخاب محل کارآموزی دقت شود. در پایان جناب دکتر تقی‌پور مسئول کارآموزی دانشکده در رابطه با این موضوع و سخنان مطرح شده فرمودند: (مشکل ساختاری داریم و متأسفانه همه نیمه‌ی خالی لیوان را می‌بینند، کارآموزی‌های ما آورده‌ای برای شرکت‌ها ندارند و این دلیل اهمیت ندادن

شرکت‌ها به کارآموزهاست ولی کارآموز باید از شرکت استفاده کند، کارآموز قرار است در بازار واقعی فعالیت کند و کارآموزی کمک می‌کند واقعیت را بهتر بشناسید. صنفی باید پیگیری کند تا زمان کارآموزی از ۲۴۰ به ۱۴۰ ساعت کاهش یابد، ولی این قضیه در دانشکده تصویب شده ولی دانشگاه نپذیرفته‌است. قرار بر این است که برای ورودی‌های ۹۸ کارآموزی ۱ فقط یک درس آشنایی با مهندسی مکانیک باشد ولی هنوز به نتیجه‌ای نرسیده‌است.)

۹۴ دانشکده به بیان تجربیات خود پرداختند، ابتدا از جلسه‌ی ۵ ام تیر ماه که دانشکده برگزار کرد، سخن خود را آغاز کردند: (حرف نماینده‌ی شرکت سایپا این بود: "استفاده‌ی ابزاری از اسم دانشجویان برای جلوه‌ی صنعتی خود در مجامع" و سخن دکتر دورعلی نیز به این صورت بود: "شرکت ما شرکتی نیست که پروژه‌های کوتاه‌مدت برای کارآموز تعریف کند." دورعلی یک استاد

انجمن علمی مهندسی مکانیک (محور) با شروع دوره ۲۷ از خرداد ماه ۱۳۹۸ به طور رسمی کار خود را آغاز کرد، در زمینه فرهنگی در تابستان ۹۸ دو جلسه گفتگو به زبان انگلیسی تحت عنوان Talk Time برگزار شد. با شروع نیم‌سال اول ۹۸-۹۹، در هفته‌ی نخست مهرماه جلسه‌ی گفتمان با محوریت موضوع کارآموزی به همراه مسئول کارآموزی دانشکده جناب آقای

دکتر تقی‌پور برگزار شد که گزارش مختصری از این جلسه در انتهای مطالب آمده‌است. علاوه بر این طبق روال همیشه دو جلسه Talk Time و اولین جلسه‌ی گفتگو به زبان فرانسوی در مهرماه برگزار شد. گزارش جلسه گفتمان حول موضوع کارآموزی به شرح زیر است:

در ابتدا جلسه توضیحی در مورد چستی کارآموزی به افراد حاضر در جلسه (افراد تازه‌کار) داده شد، سپس ورودی‌های سال ۹۷ انتظارات خود را از یک کارآموزی ایده‌آل بیان کردند. در حین معرفی افراد حاضر در جلسه، ورودی‌های سال ۹۶ و ۹۵ که تجربه

کارآموزی داشتند نام شرکت و حوزه‌ی فعالیت آن شرکت را معرفی کردند. انتظارات بیان شده به این شرح است: نزدیک بودن فعالیت‌هایی که صورت می‌گیرد به شغل آینده و رشته تحصیلی، مرتبط بودن کارآموزی با فیلدهای مورد علاقه، تجربه کردن مباحث تئوری دانشگاه به صورت عملی، گذراندن کارآموزی ۱ به صورت آشنایی با یک حوزه، کارآموزی یک سابقه‌ی خوب برای اپلای و یا شروع کار در شرکت‌های دیگر باشد، آشنا شدن با چالش‌های مدیریت و اقتصاد. در ادامه آقای علی مظفری ورودی سال



خوب است ولی خواب خوبی برای دانشجو ندیده‌است! اگر فردی می‌خواهد کاری انجام دهد به اصطلاح باید خودش آستین بالا بزند. باید دید در دنیا چه کاری برای ارتقای سطح دانشجویان می‌کنند و همه‌چیز کارآموزی نیست! دانشگاه کمکی به گپ صنعتی شما نمی‌کند و نمی‌تواند این خلاء را برای شما پر کند. خود به شخصه دیدم کسی دلش به حال صنعت نمی‌سوزد. آقای مهدی امیرآبادی ورودی سال ۹۵ دانشکده در ادامه افزود: (تکلیف خودتان را با کارآموزی مشخص کنید! هشتاد درصد

Mech Tweet



Mahdi Sakhaee
@SakhaeeMahdi

#محدودیت_تردد برای دانشجو، چه دختر و چه پسر، در منطقه طرشت و شریف از لحاظ امنیتی هیچ‌گونه توجیهی ندارد، همون‌طور که تعدادی از خفت‌گیری‌ها در ساعات روز رخ داده

بهبانه #هشت_و_نیم یک فرار رو به جلو برای اظهار نگرانی و پیگیر بودن رفت‌وآمد دانشجویان دختر است.

#کاسه‌ی_داغ‌تر_از_آش



Saman
@samanngh

هر اروری رو سرچ می‌کنم یا گفتن: «ری‌اینستال کردی ببینی درست می‌شه؟!» یا گفتن: «منم این مشکل رو داشتم، ری‌اینستال کردم درست شد» یا بعضاً به بزرگواری پیدا شدن که گفته بودن: «این مشکل ما حل نشد. از اون به بعد مجبور شدیم از یه محیط دیگه استفاده کنیم!» (((



Miouchy Beik
@BeikeMiouch

ولی من تحقیق کردم
کلا به دسته آدم وجود داره تو دانشگاه
اونایی که میگن ما که اصن درس نمی‌خونیم ولی مثل چی درس می‌خونن
اونایی هم که نمره‌شون کم میشه واسه اینکه خیلی تو نقش‌شون فرو رفتن

Poka-Yoke
@PokaYokeee

شما نمیتونید بعد #هشت_و_نیم برید بیرون هویج بخرید که سوپ بپزید دوستای سرما خوردتون بخورن مگه این که زنگ بزنید مامانتون که زنگ بزنه (خوابگاه:))



ریحان
@MYtelin

این گروه دخترای خوابگاه خیلی جالبه! شما میری میگی من شیر مرغ لازم دارم! سه نفر بهت آدرس سه جای مختلف نزدیک خوابگاه رو میدن که بتونی شیر مرغ بخری! یه نفر هم میگه ما تو اتاق داریم بیا بگیر!! دست خالی از اون گروه برنمیگردد کلا



شاگرد بیجیده
@mj_shaker_arani

چه قدر عزیز و دوست‌داشتنی هستند رفقای که در عین صراحت و صمیمیت نقدهایشان را مستقیم به خودت می‌گویند.



سِتاره‌بِی
@setarebyt

خوشبختانه هوا داره به سمتی پیش میره که ما چایی‌خورا آدمای خیلی معقول و منطقی‌ای به‌نظر میایم (((

بی‌سرزمین‌تر از باد

مرد کامبوجی، فراتر از یک هوادار ...



سید محمد حسین قاسمی
ورودی ۹۵ مهندسی مکانیک

«ما نسل تنهایی هستیم؛ نسل آتش‌گرفته‌ای که نه آرامش بودا را به وقت سوختن داریم؛ نه قدرت کلام را به وقت نوشتن» ۱.

تک هوادار کامبوج برای من یادآور جملات بالا بود؛ نماد «تنهایی»، «وفاداری» و «عشق».

گاهی در زندگی، تبدیل به ارتشی تک‌نفره می‌شویم؛ سختی‌ها، غم‌ها و احوال بد با قدرت تمام به سمت ما هجوم می‌آورند. صحنه‌ی یورش ارتش «رمزی بوتون» به «جان اسنو»ی بی‌یار و یاور در ذهن‌مان مجسم می‌شود. قانون نخست، «رهاشدن» است؛ همان کاری که جان با گشودن کمربند خود از کمربش، به ما نمایاند. ترکیب ذهن آشفته و تنهایی، ما را به ورطه‌ی نابودی می‌رساند و در مقابل، اندکی فاصله‌گرفتن از شرایط و بعد، تفکر پیرامون معضل پیش آمده، مسئله را تا حدی قابل حل می‌سازد. سپس درست در لحظه‌ای که مهتای مرگی آسوده هستیم، امدادهایی از درون، و شاید از بیرون (مانند قسمت «تبرد حرامزادگان» سریال «گیم آف ترونز») سر می‌رسند و کشاکشی عظیم درون ما رخ می‌دهد. نبرد آغاز می‌شود و دیگر پیروزی یا شکست در آن، به خود ما بستگی دارد. به درصد موفقیت در رسیدن به «آرامش درون»؛ همان کاری که «پاندای کونگ‌فوکار» در هنگامه‌ی ناباوری به انجام رسانید. در این بین اما حقیقت «تنهایی» انسان نباید فراموش شود؛ هرچقدر هم اطراف ما پر از آدم باشد، باز هم تنهایی‌م؛ حال دو راه داریم: یا بایستی دوباره به انبوه مردمان بازآییم و در میان آن‌ها سفت و سخت شویم؛ زیرا تنهایی تباه می‌کند؛ و یا تنهایی خود را در آغوش بکشیم؛ زیرا در غیر این صورت، از دیگری به‌عنوان سپری در برابر انزوا بهره خواهیم‌برد.



۱. آغوشی برای یک سفر طولانی، سید محمد مرکبیان، نشر نیماژ



سینا غلامی

ورودی ۹۶ مهندسی مکانیک

سلام دوستان خمش خوان عزیز! صفحه ی آزاد این سری از خمش، با کمی چاشنی طنز همراه بود. اول یک تشکر ویژه از شما داریم برای استقبال و همکاری فوق العاده در این شماره ی صفحه آزاد.

زمانی که نظرات شما دانشجویان عزیز رو میخوندیم، به چند انتقاد کمی تند و در عین حال به جا برخوردیم. در صفحه ی آزاد این سری، دوست داشتیم در کنار اینکه دغدغه ها و مشکلات دانشجویان را بیان کنیم، لبخندی هم روی لبهاتون بشوینیم. در ادامه تعدادی از نظرات را تا جایی که فضای صفحه آزاد به ما اجازه بده منتشر میکنیم.

سوال اول: به نظر شما ساختمان جدید مکانیک چه قدر به تولید ناخالص ملی و جذب توریست کمک خواهد کرد؟

_ با توجه به قرار گرفتن در منطقه خفت گیر خیز، به مصرف تولید ناخالص ملی و دفع توریست بیشتر کمک خواهد کرد.
_ ساختمون جدید که فک نکنم کمکی کنه، ولی دانشجویان قدیمی که دیگه خیلی موندگار شدن میشه به عنوان موزه ازشون استفاده کرد.
_ به اندازه ریشه سوم تعداد شوخی های نمکین دکتر نورانی در روز
_ فعلا که شده آذراه تهران- شمال، قوم بشو نیس. میتونیم سال ها توریستارو بیاریم بشون بگیم این همونجاییه ک قرار نیس هیچ وقت قوم شه.

سوال دوم: مایلید میخ های صندلی کلاس ها با چه نظمی چیده شوند؟

طبق آمار صفحه ی آزاد، حدود ۳۹ درصد از دانشجویان شکل لانه زنبوری را بهتر میدانند و ۲۲ درصد هم مدل تک شاخی را ترجیح میدهند. از ۳۹ درصد باقی مانده ۱۹ درصد سهم ساعتگرد و ۲۰ درصد سهم میخ های پادساعتگرد شد.

سوال سوم: دوست دارید چشم انداز کلاس ها چه تصویری باشد؟

خمش خوانا با ذوق هنری ویژه ی خودشون بیش از ۵۵ درصد آرا را به چشم انداز دریا اختصاص دادند. در ادامه خوابگاه پسران با ۲۵ درصد آرا در رده ی دوم قرار گرفت و استادیوم آزادی با ۱۴ درصد آرا در جایگاه سوم ایستاد.

سوال چهارم: چه زمانی را برای مراسم غبارروبی و جابه جایی جام های مقدس مکانیک مناسب میدانید؟

_ اواخر زمستون که جام ها سرد باشه لک کمتر بیافتن
_ علاوه بر غبارروبی از جامها، به نمکروبی از خمش هم نیازه
_ روز مهندس چون فقط یه مکانیکی مهندس هس
_ نمیدانم... شاید فردا... شاید هیچ وقت...

و سوال آخر این سری: به نظرتان کدام یکی از موارد زیر شاهد اتمام و بهره برداری از ساختمان جدید خواهد بود؟

فرزند شما ۱۶,۳٪
نوه شما ۲۲,۴٪
نتیجه شما ۴,۲٪
ندیده شما ۵۷,۱٪